

گزیده‌ای از سخنان و اندرزهای مولانا عبدالعزیز ملازاده رحمته الله علیه

تهیه و تنظیم:
عبدالباسط بزرگزاده

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| مقدمه..... | ۵ |
| مولانا در یک نگاه..... | ۷ |
| از خدا کمک بخواهید:..... | ۸ |
| نمازی بخوانید که مورد قبول الله باشد:..... | ۸ |
| حق روزه و ماه رمضان را ادا کنید:..... | ۹ |
| زکات مال را ادا کنید:..... | ۹ |
| حجاج عزیز! حقوق دیگران را ادا کنید:..... | ۱۰ |
| قرآن را بیاموزید و به آن عمل کنید:..... | ۱۱ |
| همه تن در اسلام داخل شوید:..... | ۱۲ |
| کتاب خدا و سنت پیامبر معیار سنجش اعمال است:..... | ۱۲ |
| از بدی‌هایتان توبه کنید:..... | ۱۳ |
| در طلب رزق خود را خسته نکنید:..... | ۱۴ |
| از مال حرام پرهیزید:..... | ۱۴ |
| آنچه را که می‌گویید و می‌شنوید عمل کنید:..... | ۱۵ |
| نفس خود را محاسبه نمایید:..... | ۱۵ |
| تقوی ملاک قبولی اعمال است:..... | ۱۶ |
| با یاران رسول خدا ﷺ محبت داشته باشید:..... | ۱۶ |
| محبت اهل بیت پیامبر واجب هست:..... | ۱۷ |

- ۱۷ ما یک ملت توحیدی هستیم:
- ۱۸ به مقدسات یکدیگر احترام بگذارید:
- ۱۹ دعای پادشاه عادل رد نمی‌شود:
- ۲۰ تنها از حکومت ننالید:
- ۲۰ حکومت با ظلم پایدار نمی‌ماند:
- ۲۰ در کارهای اسلامی با مأموران همکاری کنید:
- ۲۱ جوانان مسلمان باید به دنبال علم بروند:
- ۲۲ نیروهای بومی در پست‌ها اولویت دارند:
- ۲۲ اختیارات شوراها را افزایش دهید:
- ۲۳ به فرهنگ و آداب مردم بومی احترام بگذارید:
- ۲۳ سعی کردم خیرخواه شما و دولت وقت باشم:
- ۲۳ اهل سنت ایران متحد باشند:
- ۲۴ تعصب به خرج ندهید:
- ۲۵ مردم هیچ مطلبی را بدون عقل و منطق نمی‌پذیرند:
- ۲۶ از ناموس خود دفاع کنید:
- ۲۶ قدر علماء را بدانید:
- ۲۷ علماء خیرخواه شما هستند:
- ۲۷ با هم متحد باشید:
- ۲۸ از حسادت پرهیزید:
- ۲۹ به مدارس دینی کمک کنید:
- ۲۹ شیاطین شما را فریب ندهند:
- ۳۰ نعمت‌های خدادادی را درست استفاده کنید:

| | | |
|----|-------|--|
| ۳۰ | | وظیفه دینی خود را بشناسید: |
| ۳۱ | | رحمت خدا با جماعت هست: |
| ۳۱ | | از مرگ نترسید: |
| ۳۲ | | تعصبات قومی را کنار بگذارید: |
| ۳۲ | | مغرور نشوید: |
| ۳۳ | | تنها به منافع خودتان نیندیشید: |
| ۳۳ | | نام بلوچ را خراب نکنید: |
| ۳۳ | | دین ما قوی هست، خود را قوی نشان دهید: |
| ۳۴ | | تجسس و عیب جویی نکنید: |
| ۳۵ | | اجتماع فاسد شما را فریب ندهد: |
| ۳۵ | | از مواد مخدر پرهیزید: |
| ۳۶ | | حضور زنان در مساجد و مدارس ضرورت دارد: |
| ۳۶ | | در ازدواج، معیارتان دین و اخلاق باشد: |
| ۳۷ | | طلاق بدترین عمل مباح است: |
| ۳۸ | | زنان شما را به گناه آلوده نکنند: |
| ۳۸ | | مرد به زن دستور ناجایز ندهد: |
| ۳۹ | | احترام بزرگترها را بجا آورید: |
| ۳۹ | | به پدر و مادران احترام بگذارید: |
| ۴۰ | | به فکر یتیمان باشید: |
| ۴۰ | | عزاداری هایتان اسلامی باشد: |
| ۴۱ | | فرزندانتان را مسلمان تربیت کنید: |
| ۴۱ | | با منت گذاشتن اعمالتان را باطل نکنید: |

- ۴۲ نسبت به مسلمانان خوشبین باشید:
- ۴۲ با نیازمندان همدردی کنید:
- ۴۳ حق خویشاوندانتان را از یاد نبرید:
- ۴۳ استقامت داشته باشید:
- ۴۴ با مهاجرین افغانی به خوبی رفتار کنید:
- ۴۴ بیت المقدس را فراموش نکنید:

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

خوانندگان گرامی! مطالبی که به صورت گزینشی و مختصر از اقوال و سخنان حضرت مولانا عبدالعزیز رحمته از نظرتان می‌گذرد، از نواهای سخنرانی ایشان انتخاب شده و تقدیم شما می‌گردد. ان شاء الله در آینده تمام سخنرانی‌ها و پند و اندرزهای دلسوزانه و حکیمانه این معلم و مصلح برجسته اهل سنت ایران، جمع‌آوری و به صورت نوشتاری چاپ و نشر خواهد شد.

از ویژگی‌های سخنان مولانا این است که همواره با کلماتی ساده و قابل فهم برای عموم که تأثیر زیادی بر مخاطبانش داشتند، به ایراد سخن می‌پرداخت که با گذشت سال‌ها هنوز هم برای مردم تازگی دارند.

ایشان در مورد تمام مسایل کوچک و بزرگ و امور مختلف زندگی مسلمانان، همواره سخنانی ایراد می‌کردند و مردم را مورد ارشاد و راهنمایی قرار می‌دادند. اخلاص، شجاعت، صراحت و حق‌گویی مهمترین ویژگی سخنرانی‌های ایشان بود و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای هراسی نداشت.

امید است نشر پند و اندرزهای دلسوزانه و اندیشه‌های والای ایشان، باعث شود نسل جوان با این مصلح بزرگ بیشتر آشنا شوند.

التماس دعا

عبدالباسط بزرگزاده

مولانا در یک نگاه

- مولانا عبدالعزيز ملازاده فرزند مولانا عبدالله، قاضی القضاة بلوچستان.
- متولد ۱۲۹۵ در روستای دپکور، شهرستان سرباز، استان سیستان و بلوچستان.
- محل تحصیل مولانا، مدرسه مظهرالعلوم کراچی، دارالعلوم دیوبند، مدرسه امینیة دهلی.
- اساتید مولانا: مولانا محمد صادق، مولانا حسین احمد مدنی، مولانا مفتی کفایت الله.
- تدریس در مدرسه صولتیة مکه مکرمه در سال ۱۳۲۸ هـ. ش.
- حضور در رادیو بلوچی و اجرای برنامه‌های مذهبی سال ۱۳۳۸.
- استخدام در آموزش و پرورش در سال ۱۳۳۹.
- مؤسس مسجد مکی و دارالعلوم اهل سنت زاهدان و مساجد متعدد دیگر.
- جلوگیری از اعزام عشایر بلوچ به استان فارس و درگیر شدن با عشایر قشقایی سال ۱۳۴۲ هـ. ش.
- رهبری حزب اتحاد المسلمین سال ۱۳۵۷ و فعالیت‌های متعدد در چارچوب حزب.
- نماینده مردم استان در مجلس خبرگان قانون اساسی سال ۱۳۵۸ شمسی.
- از مؤسسين شورای شمس در سال ۱۳۶۰ هـ. ش.
- سفرهای مختلف به هندوستان، سوریه عربستان، پاکستان، افغانستان، انگلستان، آمریکا، و...
- دارای برترین ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و داشتن صفات جامع رهبری، تاریخ وفات ۲۱ مرداد ماه ۱۳۶۶ شمسی در مشهد.

از خدا کمک بخواهید:

من و شما مرهون نعمت‌های خداوند هستیم. این نعمت مال و سلامتی، نعمت ایمان و قرآن همه از طرف خدا هست. بیاپید اعتماد و توکل خود را به الله درست کنید. منبع قدرت، قوت و صاحب کمال و صفات برتر فقط خداست. یاری‌رساننده، شفادهنده، عزت‌دهنده، ذلیل‌کننده، رزق و روزی‌دهنده و دگرگون‌کننده فقط ذات یگانه اوست. من و شما فقیر و محتاجیم. پس بر ماست که فقط از او استعانت و یاری بجوییم، پیش این و آن نروید. پیش فلان درویش، فلان قبر و صاحب قبر و پیش جادوگرها و شیادان نروید که ایمان‌تان را می‌گیرند.

ما در نماز می‌خوانیم: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحه: ۵]. که «ای خدا فقط تو را پرستش می‌کنیم و فقط از تو استعانت و یاری می‌خواهیم». چون تنها خداوند قادر هست که همه مشکلات را حل کند. منبع قدرت و خزانه تمام چیزها در دست اوست. حاجت‌روا، مشکل‌گشا، دست‌گیر و نجات‌دهنده فقط الله هست. از دست مخلوق هیچ چیزی ساخته نیست، خداست که دارای صفات کمال است، در یک لحظه جهان را برهم می‌زند، شاه را گدا و گدا را شاه می‌کند.

نمازی بخوانید که مورد قبول الله باشد:

نماز یک نسخه جامع و کامل برای تمام امراض روحی مسلمان می‌باشد. نماز از همه عبادات مهم‌تر هست و روز محشر اولین پرسش از نماز خواهد شد. خداوند متعال می‌فرماید: نماز شما را از کارهای بد، و از فحشا و منکرات باز می‌دارد. آن نمازی که شما را از بدی‌ها، منکرات، مردم‌آزاری و از خوردن مال مردم باز ندارد، معلوم می‌شود مورد قبول خداوند واقع نشده است. نماز باید دارای روح و معنویت باشد و نمازگذار بداند با چه کسی راز و نیاز می‌کند.

تمام شرایط و ارکان نماز، اعم از پاکی، وضو، قیام، رکوع، سجده و قرائت باید رعایت شود. حضور قلبی و خشوع داشته باشید، نمازی که حواس انسان در آن جمع نبوده و به

خاطر تظاهر و ریا براساس عادت ادا شود در حقیقت مثل اینست که، پشت به قبله خوانده شود و چنین نمازی نه تنها ثواب و بهره‌ای ندارد، بلکه و بال و عذابی برای نمازگزار خواهد بود و همچون پارچه کهنه و سیاهی به صورت او زده خواهد شد.

به خاطر این است که می‌بینیم امروز خیلی از مردم نماز می‌خوانند ولی در کنار نماز جرم و جنایت، اخازی، رشوه‌خواری، حرام‌خوری، غیبت، تهمت و خیلی کارهای ناشایست دیگر انجام می‌دهند. چون نفهمیدند نماز چه هست و از آنها چه می‌خواهد.

حق روزه و ماه رمضان را ادا کنید:

بیاید ماه رمضان را با عبادت سپری کنید، در این ماه تا می‌توانید تسبیح و تهلیل بگوئید و قرآن را تلاوت نمائید و به کثرت استغفار بخوانید. کارهای خلاف و کوتاهی‌های گذشته را ترک کنید و خود را مستحق بخشش و گذشت خداوندی قرار دهید. قرآن مجید و ماه مبارک رمضان برای کسانی که قدر این ماه را دانسته و حقش را ادا نمایند شفاعت می‌کنند. بدترین افراد کسانی هستند که در ماه مبارک رمضان بخشیده نشوند.

این ماه را خداوند بدین خاطر به این امت به عنوان سوغات و تحفه داده تا آنها را مغفرت نماید و از جهنم نجات دهد.

خیلی از روزه‌داران هستند که یک روزه مقبول هم ندارند و بجز تشنگی و گرسنگی چیزی عایدشان نمی‌شود، چون قدر این ماه را ندانسته اند و حقش را رعایت نکرده اند و دست از منکرات و بدی‌ها برنمی‌دارند. احکام اسلامی از شما زحمت و تلاش می‌خواهند تا محبت دین در دل شما جای بگیرد. پس دقت کنید اعمال خود را بی‌نتیجه نگذارید.

زکات مال را ادا کنید:

معلوم نیست برادران ما چطور زکات اموالشان را ادا می‌کنند. همیشه برای ادا نکردن زکات به دنبال بهانه و راه فراری می‌گردند.

زکات گدایی نیست، حق خدا در مال شما هست. لازم نیست کسی دنبال شما بیاید و از شما حواش کند که به او کمکی بکنید. شما خودتان وظیفه دارید این حق را ادا نموده و مال خدا را به کسانی که زکات برای آنها جایز باشد برسانید. بر آنها منت نگذارید که ما داریم به شما کمک می‌کنیم. شما وظیفه خود را انجام می‌دهید. تقدیر خداوند متعال اینست که برخی مالدار باشند و برخی نیازمند، تا حس همدردی و احساس مسئولیت در میان مسلمانان ایجاد شود.

مال‌هایتان را به ریا و تظاهر ندهید. بیوه‌ها، یتام، نیازمندان، فقیران و خصوصاً مدارس دینی را از یاد نبرید.

حجاج عزیز! حقوق دیگران را ادا کنید:

ای حجاج گرامی، حالا که خداوند به شما توفیق داده و امکانات را در اختیارتان گذاشته که به زیارت خانه خدا مشرف شوید، سعی کنید در آنجا از همه اعمال گذشته توبه کنید تا حج مقبولی نصیب شما گردد.

طواف و سعی را به نحو احسن انجام داده و دعا و گریه و زاری را در عرفات از یاد نبرید. آن عهد و پیمانی را که در آنجا با خدا می‌بندید فراموش نکنید. حقوق بندگان خدا را ادا کنید. رعایت حقوق بندگان خدا و دادن حق آنان، از حج نفلی مهمتر هست.

بعضی‌ها هر سال به حج می‌روند، ولی وقتی از وضع زندگی‌شان جست و جو می‌کنیم می‌بینیم خانواده‌شان به هم خورده است. حق همسایه، قوم و خویش، مغازه‌دار، همه و همه به گردن آنهاست. اقوام‌شان فقیر و محتاج هستند، شام شب ندارند ولی این آقایان پول را برمی‌دارند و به حج نفلی می‌روند.

خیلی‌ها از حج که برمی‌گردند لفظ «حاجی» را با اسم خود قاطی می‌کنند که من حاجی فلانی هستم. برادران، این حج هم مثل نماز، روزه و زکات، یک فرض هست که شما آن را انجام دادید، چرا آن را با اسم‌تان مخلوط می‌کنید. پس نماز و روزه را هم به اسم خود بچسبانید، حاجی، نمازی، روزه‌ای، زکاتی،...

منظور، عمل کردن به حکم و دستور صاحب بیت الله و تجدید عهد و پیمان است که دوباره مرتکب گناه نشویم. حاجی آقا به حج می‌رود و سه یا چهار زن دارد، سه زنش را باز نشسته کرده و با یک زن هست. حاجی هست و همسایه‌اش از دست او در اذیت و آزار است. حاجی هست و حق خویشاوندان را رعایت نمی‌کند. این چه حاجی و مسلمانی است که حقوق مردم را ادا نمی‌کند؟ اگر کسی هفتاد حج هم بکند و حق بندگان خدا به گردنش باشد، معاف نمی‌شوند.

قرآن را بیاموزید و به آن عمل کنید:

ای دوستان! باید به فکر یادگیری قرآن باشید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین شما کسانی هستند که قرآن را یاد بگیرند و به دیگران یاد بدهند». فرمودند بهترین شما کسانی هستند که نفل زیاد بخوانند، روزه نفلی بگیرند و صدقه و نذر و نیاز بدهند یا زیاد ذکر کنند، پس یادگیری و آموزش قرآن خیلی مهم است. قرآن مجید قانون اساسی و قانون مدنی شما و سبب سعادت دنیا و آخرت شما هست. شما وقتی می‌توانید کسب و کار یاد بگیرید. می‌توانید فیزیک، شیمی، حساب و هندسه یاد بگیرید آیا نمی‌توانید ۳۰ جزء کلام الله مجید را یاد بگیرید؟

سعی کنید بیشتر به دنبال یادگیری معنی قرآن باشید تا بفهمید چه می‌خوانید. اگر کسی قرآن را بارها از اول تا آخر تلاوت کند ولی نفهمد چه خوانده و به عمل وادار نشود، چنین خواندنی باعث اصلاح و هدایت او نمی‌شود. وقتی که تلاوت می‌کنیم گویا با خداوند داریم صحبت می‌کنیم، پس باید بدانیم قرآن چه پیامی برای ما دارد و خداوند چه دستوری به ما می‌دهد.

اگر نامه‌ای از طرف دوست شما مثلاً به زبان انگلیسی به دست‌تان برسد، این را می‌برید به نزد شخصی که انگلیسی بلد باشد تا برای شما ترجمه کند و ببینید دوست شما برایتان چه پیامی فرستاده است. این کلام الله مجید را بهترین دوست شما از آسمان برای

هدایت و خوشبختی من و شما فرستاده و باید ترجمه آن را یاد بگیریم و یاد داشته باشیم.

همه تن در اسلام داخل شوید:

ای کسانی که ایمان آورده اید! باید همه تن و با تمام وجود وارد اسلام شده، تمام دستورات خدا و رسول را عمل کنید. کسی که یک دستش با خدا و دست دیگرش با شیطان باشد، یک چیزی را از خدا می‌شنود و صد چیز دیگر را از شیطان، یک حکم اسلام را عمل می‌کند و صد دستور محیط و اجتماع فاسد و همراه فاجر را، پس این چه مسلمانی است؟ اسلام به معنای تسلیم شدن به حکم خدا و رسول هست. خودتان را قاضی کنید، ببینید تا چه اندازه در مقابل دستورات قرآن و سنت تسلیم هستید؟

این چه مسلمانی هست که بعضی نماز می‌خوانند ولی دروغ می‌گویند، مردم‌آزاری می‌کنند، گران فروشی می‌کنند، حرام می‌خورند، هروئین می‌فروشند و تمام کارهای خلاف را انجام می‌دهند، بازهم می‌گویند: ما مسلمانیم چون نماز می‌خوانیم. اسلام تنها نماز و روزه و حج و زکات نیست. اسلام در چند چیز محصور نیست، شما باید تمام احکام اسلام و قرآن را عمل کنید.

کتاب خدا و سنت پیامبر معیار سنجش اعمال است:

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای امت من! بعد از خودم دو چیز را در بین شما می‌گذارم و می‌روم. اگر بر این دو چیز عمل کردید و آنها را محکم گرفتید گمراه نمی‌شوید، اول کتاب خدا دوم سنت و روش خودم را در هر مسأله‌ای به این دو اصل و منبع مراجعه کنید و همان را محکم بگیرید.

باید ببینیم خدا و رسول در مورد نماز، روزه، حج، زکات، جهاد، اخلاق، دین، دنیا، آخرت و همه احکام و مسایل، ما را به چه راه و روشی راهنمایی می‌کنند و بر همان

روش عمل کنیم. بدانید که اگر به قرآن و سنت‌های آنحضرت عمل کنید هیچ وقت گمراه نمی‌شوید.

در روایتی دیگر بجای سنت، عترت آمده است. یعنی پیامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: در بین شما کتاب خدا و عترت و اهل بیت خود را می‌گذارم و می‌روم، این هم همان معنی را دارد. چون اطاعت از اهل بیت در واقع اطاعت از سنت‌های آنحضرت هست. اهل بیت هرچه از سنت‌های پیامبر را که یاد گرفتند به شما یاد می‌دهند، اهل بیت پیامبر راه و منهج جدایی ندارند. پس خوب متوجه باشید که محبت با پیامبر و اهل بیت پیامبر در ادعا نیست، در عمل هست. ببینید شما در زندگی‌تان تا چه اندازه از آنها پیروی می‌کنید؟

از بدی‌هایتان توبه کنید:

سعی کنید از کارهای بد گذشته پشیمان گشته و اظهار ندامت نمائید و از صمیم قلب توبه نموده به طرف خدا برگردید.

از تمامی گناهان ظاهری و باطنی، کوچک و بزرگ، دست کشید و از ته قلب توبه نصوح نمایید.

هرکسی از گناهان خودش خبر دارد، گناهان‌تان را تا لب گور همراه خود نبرید که روز سختی در پیش است.

کسی که خالصانه از گناهان خودش توبه نماید مانند کسی هست که هیچ گناهی انجام نداده است.

خداوند متعال با توبه بنده‌اش خیلی خوشحال می‌شود و همه گناهانش را مغفرت می‌نماید.

خصوصاً به جوانان عزیز عرض می‌کنم که توبه شما خیلی ارزش دارد. در وقت جوانی که دشمن قوی هست و نفس و شیطان، انسان را بطرف پیروی از خواهشات نفسانی می‌کشاند، جوانان ما متوجه باشند و از این نیروهای تباه‌کننده پیروی نکنند، چنین جوانانی در نزد خدا خیلی ارزش دارند و قابل تعریف و تمجید هستند. مثل حضرت

یوسف باشید که در وقت دعوت به گناه گفتند: معاذالله، به خدا پناه می‌برم از این که مرتکب گناه بشوم.

در طلب رزق خود را خسته نکنید:

رزق شما مشخص هست و خدا آن را تقسیم کرده. برای پیدا کردن رزق حلال تلاش بکنید اما خود را خسته نکنید و حریص نباشید. برخی برای بدست آوردن مال خود را به کشتن می‌دهند، آرام و استراحت ندارند، تصادف می‌کنند، شکنجه می‌بینند، حق زن و بچه‌هایشان را ادا نمی‌کنند.

مگر در این دو روز دنیا شما چقدر به پول احتیاج دارید که خود را اینطور خسته می‌کنید و از بین می‌برید؟ مال از برای حفاظت جان است نه جان برای حفاظت مال. آیا خودتان را خسته می‌کنید که این مال به وارثان شما برسد؟ حال آن که معلوم نیست وارثان شما از آن مال به خوبی استفاده می‌کنند تا به سود شما تمام شود، یا این مال سبب غفلت آنها از خدا می‌شود که مکافات اعمال آنها از شما پرسیده شود. من از لحاظ خیرخواهی به شما می‌گویم که: به این مال و دولت دل نبندید و خود را خسته نکنید. وقتی مردن جز چند متر کفن همه چیز را از شما می‌گیرند.

دست خالی می‌روید در حالی که معلوم نیست در زندگی چقدر با مال‌تان کار خیر انجام دادید که در روز قیامت دست شما را بگیرد.

از مال حرام پرهیزید:

سعی کنید رزق و روزی حلال به دست آورید. هرچه مال حلال‌تر باشد، زندگی راحت‌تر و زن و بچه‌ها باایمان‌تر خواهند بود. مال حرام باعث بربادی و تباهی زندگی می‌شود. اگر یک ریال حرام با صد هزار پول مخلوط شود برکت آن را می‌برد و آن را برباد می‌کند. خدا در مال حلال و پاک برکت می‌دهد و آن را حفظ نگهداری می‌کند، اما مال حرام را خیلی زود از بین می‌برد.

مال حرام تنها ربا نیست، کلاه گذاشتن و فریب دادن مردم بخاطر فروش، جنس، گرانفروشی، رشوت، مواد مخدر، اخاذی و خیلی کارهای دیگر، همه مال را حرام می‌کنند.

آنچه را که می‌گویید و می‌شنوید عمل کنید:

سروران گرامی! منظور از موعظه و تبلیغ، تنها گفت و شنید نیست، منظور آگاهی و عمل کردن است. اول باید گوینده به گفتهٔ خودش عامل باشد، چون گفته‌ای که شخص به آن عامل نباشد، بر شنونده‌ها اثر نمی‌بخشد و در دلها رسوخ نمی‌کند. ولی وقتی قول با عمل همراه باشد مردم با آغوش باز قبول می‌کنند و متأثر می‌شوند.

شما هم آنچه را که می‌شنوید باید عمل کنید، اینجا مجلس تفریح نیست که من و سایر علماء چیزی بگوییم، شما بنشینید چرتی بزنید و تنقیدی بکنید که این مولوی خوب صحبت کرد و سخنانش مطابق میل ما بود، و آن مولوی خوب صحبت نکرد و برخلاف میل و خواست ما سخن گفت و این نقطه ضعف را داشت.

هدف از اجتماع مسلمین در روزهای جمعه، عید و دیگر مناسبات، گوش دادن و هم عمل کردن است. هرچه احساس نیاز بیشتر باشد، خداوند بهتر توفیق عمل می‌دهد.

نفس خود را محاسبه نمایید:

سعی کنید به اصلاح خودتان بکوشید، انسان باید اول خودش را اصلاح کند. تا خودش را اصلاح نکرده و هوا و هوس خود را تابع خودش نگرداند، نمی‌تواند به دیگران برسد.

در نظر داشته باشید که هرکار و هرسخن شما توسط کراماً کاتبین ثبت می‌شوند. خداوند خبیر، علیم، سمیع و بصیر همیشه همراه شما هست.

به این زندگی چندروزهٔ خود ننازید که هیچ چیزش در اختیار شما نیست، تا زنده هستید و فرصت دارید، از کرده‌هایتان حساب بگیرید. با خود نشسته فکر کنید چه

کارهای بدی انجام دادید که از آن استغفار کنید و چه کارهای خوبی انجام دادید که از خدا توفیق بیشتری بخواهید.

تقوی ملاک قبولی اعمال است:

برادران عزیز! برتری انسان به خدا ترسی و تقوی هست، هرکسی از خدا بیشتر بترسد و دستورات او را اطاعت کرده منهیات و محرّماتش را ترک نماید، در نزد خدا گرامی تر و بافضیلت تر هست. برتری انسان به ذات و نسب و فامیل نیست. کسی حق ندارد بگوید: فامیل و طایفه من بهتر از بقیه هست.

این تفاوت فامیل و طائفه به خاطر اینست که یکدیگر را بشناسید، همه انسان‌ها از خاک آفریده شده اند و از نسل حضرت آدم و حوا هستند. عزت و آبرو نزد خداوند به مال، نسب، جمال و مقام نیست. به قدرت، فامیل و مال و جمال خود فخر نکنید و مغرور نباشید.

با یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله محبت داشته باشید:

همچنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله خودش برگزیده‌ترین پیامبران بودند اصحاب و یار و یاوران او نیز، مقام و منزلت‌شان از تمام امت‌های پیامبران گذشته بالاتر هست. ما معتقدیم اصحاب و تربیت‌شدگان مکتب پیامبر همه عادل هستند، اهانت به آنها و بی‌ادبی به شأن و مقام آنها را جرم می‌دانیم. عظمت و مقام آنها در اثر تأثیری بود که از محضر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گرفته بودند. این بزرگواران را رسول خدا تربیت کرده بود، هیچ کس در دنیا به مقام کسی که ساعتی در مجلس و محضر پیامبر حضور یافته، ایمان آورده و با ایمان از دنیا رفته نمی‌رسد. ما معتقدیم اصحاب پیامبر معصوم نیستند، آنها هم اشتباه می‌کردند، اما اشتباهشان عمدی نبوده. چنان ایمانی داشتند که اگر مرتکب گناهی هم می‌شدند فوراً پشیمان شده در محضر آن حضرت حاضر می‌شدند و به گناه خود اعتراف نموده اظهار

ندامت و پشیمانی می‌کردند و از رسول الله طلب دعا و مغفرت می‌کردند، و عرض می‌کردند که ما را پاک کنید.

طعن و بدگویی از یاران پیامبر در واقع اهانت به شخص آن حضرت هست، چرا که ما پیامبر را زیر سؤال می‌بریم که نتوانستند یاران خوبی تربیت کنند.

محبت اهل بیت پیامبر واجب هست:

فکر نکنید که اهل بیت تنها مال برادران شیعه هست، بلکه متعلق به اهل سنت هم می‌باشند. و این نکته را خوب بدانید همچنان که ما احترام اصحاب پیامبر را واجب می‌دانیم و معتقد به عدالت‌شان هستیم، به همان صورت محبت با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را هم واجب می‌دانیم. هرکسی نسبت به آنها بی‌ادبی و توهین کند از اسلام خارج می‌شود.

ما در تشهد می‌خوانیم «اللهم صل علی محمد و آل محمد» آل محمد صلی الله علیه و آله همان اولاد آن حضرت و حضرت علی علیه السلام و فاطمه الزهراء هستند. هرکسی در نماز بر اهل بیت پیامبر درود و سلام نفرستد، نمازش ناقص می‌شود. آنها دارای قدر و منزلت بالایی هستند، و اعتقاد داریم اصحاب و یاران پیامبر با آنها ارتباط خوب و تعامل حسنه‌ای داشته‌اند و هیچ کدورتی بین آنها نبوده است. اگر گاهی اختلافی پیش آمده عمدی نبوده، بلکه سوء تفاهماتی پیش آمده که ما نباید در حق آنها قضاوت کنیم.

ما یک ملت توحیدی هستیم:

هزار و چهار صد سال است که دشمنان اسلام ما را به جان یکدیگر انداخته‌اند و همدیگر را نفرین و لعنت می‌کنیم. بیائید متحد و متفق باشیم، و بیائید محبت خود را به یکدیگر نشان بدهیم و هیچ فرقی بین شیعه و سنی قائل نشویم. چرا اینطور خود را ناراحت می‌کنید و به کلمه سنی و مذاهب اربعه که می‌رسید خیلی احتیاط و پیش‌بینی را بکار می‌برید؟ شما فکر می‌کنید که این انقلاب را، این پیروزی را ما بوجود آوردیم!! ما و

شما یک ملت توحیدی هستیم، اعتقاد ما به خدا هست، خدا قدرت دارد هزارها امام خمینی را بوجود بیاورد، خدا قدرت دارد که هرملت مستضعفی را که ظلم هیأت حاکمه‌اش به درجه نهایت رسیده باشد، آن طاغوتی‌ها را زیر و رو کند و مستضعفین را بجای آنها بیاورد. لهذا ما نباید اینقدر محتاط باشیم که در هر ماده یک چیزی از فقه و اصول دین را بگنجانیم، چرا اینقدر می‌ترسیم و وحشت داریم؟ خدا این پیروزی را به ما داده، و خدا وقتی که یک کاری را می‌خواهد بکند اسبابش را مهیا می‌کند، سبب‌ساز است، سبب‌سوز هم هست. اگر تمام وسائل را من و شما مهیا کنیم اگر خدا نخواهد، آن کار عملی نمی‌شود. پس ما باید به خدا ایمان داشته باشیم، هرچیز به ما رسیده است و می‌رسد، از جانب خدا رسیده و هرچه به ما نمی‌رسد خدا به ما نداده. ما به زور و بازو و قدرت خود، بدون خواست خدا هیچ کاری را نمی‌توانیم انجام بدهیم، به حکم آیه: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [التکویر: ۲۹]. «و نمی‌توانید که خواهید مگر آنکه خدا بخواهد، پروردگار جهانیان».

لهذا بنده از سروران و دوستان و علمای اعلام تقاضا دارم که زیاد تعصب به خرج ندهند، شیعه و سنی برادر هستند. شش ماه ما این اشعار را می‌دادیم که شیعه و سنی دو برادر پیروزند، هر شب امام می‌فرماید که: سنی و شیعه برادر هستند، بیائید برادری را ثابت کنید، هر حقوقی که برای پیروان مذهب شیعه قائل می‌شوید، برای برادران اهل سنت خود که ده میلیون یا هشت میلیون نفر در کشور ایران هستند باید قائل شوید.

به مقدسات یکدیگر احترام بگذارید:

وحدت شیعه و سنی بیشتر از طرف هیأت حاکمه قابل اجر است، هیأت حاکمه نباید بین برادران شیعه و سنی تبعیض قایل باشد. هرگاه تبعیض و استثناء باشد اختلاف و دودستگی می‌آید و وحدت تداوم پیدا نمی‌کند.

باید راه تداوم وحدت را به ملت نشان بدهید، هیچ وقت وحدت بین ظالم و مظلوم برقرار نمی‌شود، وحدت بین شما و کسی که پدر و مادر شما و دوستان شما را فحش بدهد برقرار نمی‌شود. این وحدت، وحدت کاذب و ضعیفی هست و استحکام ندارد. بیاید یکدیگر را در آغوش بگیرید و به مقدسات یکدیگر احترام بگذارید.

نه از نظر شرعی، نه از نظر قانون اساسی و نه از نظر فرمایشات امام، هیچ یک از روحانیون شیعه حق ندارند به مقدسات سنی‌ها اهانت کنند. و هیچ سنی هم حق ندارد به مقدسات شیعه اهانت کند، و هرکس چنین می‌کند ضد اسلام و ضد قرآن هست.

از برای خدا به بزرگان اسلام اهانت نکنید، دنیای کفر وقتی ببیند خود مسلمانها دارند بهترین شاگردان پیامبرشان را بدگویی می‌کنند، نسبت به دین و آیین ما چه قضاوتی می‌کنند.

دعای پادشاه عادل رد نمی‌شود:

در حدیثی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: سه نفر هستند که دعای آنها رد نمی‌شود و حتماً مورد اجابت قرار می‌گیرد، یکی از اینها پادشاه عادل هست.

وقتی حاکم و پادشاه میان رعیت طبق دستور قرآن و شریعت رفتار بکند، نگذارد به کسی ظلم بشود، حق مظلوم را از ظالم بگیرد، خداوند متعال دعای این پادشاه را رد نمی‌کند، و این فضیلت تنها شامل حاکم نیست، بلکه زیردستان حاکم مثل وزیر، وکیل، استاندار، فرماندار و فرماندهان و همه افراد تحت امر حاکم را دربر می‌گیرد. چون خود حاکم شخصاً نمی‌تواند به همه‌ی جای کشور سر بزند و رسیدگی کند، و کسانی که زیر دست و مأمور او هستند باید مطابق دستور خدا و رسول و رئیس مملکت، با عدالت رفتار کنند. و همه اینها وقتی عمل‌شان به عدالت باشد هر دعایی در حق خود و ملت و برای خواسته‌های دنیوی خود بکنند، خداوند دعای آنها را قبول می‌کند.

تنها از حکومت ننالید:

برادران من! سعی کنید خودتان را اصلاح کنید و تنها از حکومت‌های وقت ننالید. هرچند من مخالف این نیستم که اگر حکومتی و ارگانی خلاف قرآن و سنت عمل کرد، اعتراض نمایید و به مقامات بالا شکایت کنید. اما منظور بنده اینست در ضمن این که حقوق ملی و مذهبی خود را می‌خواهید، خودتان را هم اصلاح کنید. اگر می‌خواهید حکام و مأموران دولتی عادل شوند، خود شما هم باید با عدالت و انصاف رفتار کنید و حق یکدیگر را پایمال نکنید، مال مردم را نخورید، دنبال فحشاء و منکرات نروید، به یکدیگر بد و بیراه نگویید، جاسوسی و سخن‌چینی یکدیگر را نکنید و از هرچیزی که خداوند منع کرده دوری نموده به اطراف آن نروید. این ظلم و مصیبت‌ها که بر سر ما می‌آید نتیجه اعمال ما است.

حکومت با ظلم پایدار نمی‌ماند:

از ارگان‌ها و مأمورین جمهوری اسلامی تقاضا می‌کنم از برای خدا عدالت را رعایت کنید، برای شکل‌گیری و پیروزی جمهوری اسلامی روحانیون ما خیلی زحمت کشیدند، و خون‌ها دادند، چقدر کودک یتیم شدند و زن‌ها بیوه شدند، بر این اسلام رحم کنید، عدالت و مقررات را مو به مو اجرا نمایید.

حکومت ممکن است با کفر پایدار بماند، اما با ظلم پایدار نمی‌ماند. خشک و تر را مخلوط نکنید، گناهکار و بیگناه را از هم جدا کنید. یک دست اگر گناهی کرده دست دیگر بریدن ندارد. پدر اگر گناهی کرده پسر بالای دار نرود. پسر اگر آدم کشته پدر قصاص نشود. نگذارید دشمنان اسلام و انقلاب خوشحال شوند.

در کارهای اسلامی با مأموران همکاری کنید:

در کارهای اسلامی و امنیتی با ارگانها و مأمورین همکاری کنید، آنها را راهنمایی درست کنید و نگذارید به هر بی‌گناهی دست تعدی دراز کنند. اگر شما همکاری کنید تا حق ظاهر شود، بیگناهان اذیت نمی‌شوند.

خوب منظور مرا بفهمید، در کارهای اسلامی، در کارهای عمرانی، عدالت و انصاف که به نفع اسلام و مسلمین است همکاری کنید، نه مثل بعضی مسلمانها که می‌روند جاسوسی و سخن‌چینی می‌کنند. یک مسلمان بیگناهی را به چاه می‌اندازند.

آنچه را که در مردم نیست به مأمورین می‌رسانند و باعث ایجاد سردرگمی می‌شوند. وقتی مجبور می‌شوید خبر و گزارشی بدهید، خبر حقی باشد. به دروغ گزارش ندهید.

اگرچه من خیلی از کارهای مأمورین و ارگانها را نمی‌پسندم و بسا کارهای دیگر هستند که به نظر من پسندیده اند، اما ما می‌خواهیم اسلام و کشور اسلامی ما حفظ بشود و همه مردم در امنیت و آسایش باشند. دولت از ملت تشکیل می‌شود، ملتی باید باشد که دولتی تشکیل شود.

جوانان مسلمان باید به دنبال علم بروند:

امروز مسلمانان به دنبال علم و دانش و علوم دانشگاهی نمی‌روند. دست روی دست گذاشته منتظرند همه چیز مفت و مجانی در اختیار آنها قرار گیرد. کفار همواره تلاش می‌کنند و به دنبال علم، دانش، صنعت و دیگر فنون می‌روند و شب و روز فعالیت می‌کنند تا به اهداف خود برسند.

اگر مسلمانان هم بخواهند خود کفا شوند و به شرق و غرب نیازی نداشته باشند، باید جوانان ما به دانشگاه بروند. تحصیل کنند و در عین حال متدین و مؤمن باشند. به دنبال اختراعات و کشفیات جدید بروند و اوقات‌شان را بیهوده سپری نکنند.

نیروهای بومی در پست‌ها اولویت دارند:

ما در این کشور بسیار رنج و جفا دیده‌ایم و خیلی محرومیت‌ها کشیده‌ایم. شما می‌دانید که استان سیستان و بلوچستان در نظام گذشته بسیار محرومیت دیده و از همه استانها عقب‌تر بوده، حال می‌خواهیم در این نظام حقوق ملی و مذهبی ما حفظ بشود. همانطور که قبلاً این وعده را به ما داده بودند که بومی‌ها حق اولویت برای گرفتن پست‌ها را دارند، می‌خواهیم این وعده عملی بشود. مسأله فارس و بلوچ و سیستانی مطرح نیست، اگر در استان کمبود نیروهای بومی و محلی داشته باشیم و نیروهای متخصص ما حاجات محلی را تأمین نمی‌کنند، از برادران فارس و غیر فارس کمک می‌گیریم، ولی منظور ما این است تا وقتی که نیروهای متخصص بومی داریم نباید غیر بومی‌ها را بر ما تحمیل کنند. خود رهبر انقلاب این وعده را داده که بین مذهب شیعه و سنی هیچ فرقی وجود ندارد و مذهب‌شان برابر و به اعتبار پست و مقام مساوی هستند.

اختیارات شوراها را افزایش دهید:

قرار بر این بوده که همه کارها طبق صلاحدید شورا باشد و هرکاری که انجام می‌شود به پیشنهاد و صلاحدید شورا انجام شود. شورای استان، شورای شهرستان، شورای روستا و... ولی ما در منطقه نمی‌بینیم شورایی باشد و یا استاندار، فرماندار و بخشدار طبق پیشنهاد شورا کار کند. بنا نبوده همه قدرت‌ها در تهران متمرکز شود و هر انتخابی که می‌شود بلاتشبیه مثل دوران طاغوت بدون اطلاع‌دادن ما، از آنجا بشود. وقتی شوراها هیچ اختیاری در انتخاب حتی بخشدار، فرمانداران و مدیر کل‌ها ندارند، پس ما چه احترامی به آراء مردم گذاشتیم. کار شورا این باشد که فقط برود جاده آسفالت کند و... خواسته مردم این است که کارها طبق نظر شورا باشد و خود مردم در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی تصمیم بگیرند نه مرکز.

به فرهنگ و آداب مردم بومی احترام بگذارید:

برادران و سروران عزیز! مقصود ما را بدانید که ما استقلال به معنی جدایی از حکومت مرکزی را نمی‌خواهیم، ما قصد تجزیه‌طلبی نداریم، ما ایرانی هستیم و متعلق به این کشوریم و نمی‌خواهیم کشور خراب بشود، در همه کارها مستقل بودن نیز به صلاح ما نیست. خواسته ما این است که حیثیت مذهبی و قومی ما حفظ بشود. به زبان و فرهنگ و رسوم مردم منطقه احترام گذاشته شود و ما بتوانیم با زبان محلی خودمان در مدارس تدریس کنیم. به حقوق ملی و مذهبی مردم توجه بشود.

سعی کردم خیرخواه شما و دولت وقت باشم:

خدمت شما عرض کنم از مدت بیش از سی سال که بنده اینجا بوده‌ام آنچه را حق بوده و در جهت اصلاح مردم بوده انجام دادم، و هرچه را که به مصلحت شما می‌دانستم خدمت شما سروران عرض کردم. اگرچه من مدعی نیستم هرچه را می‌گویم و می‌دانم صددرصد درست است. چون بنده انسان و بشر هستم و انسان جایز الخطاست. ولی با وجود علم کمی که دارم، سعی کردم که شما را در تاریکی نگذارم و همیشه خیرخواه شما و ملت و همه مسلمانان باشم.

همچنین کوشش و تلاش من بر این بوده که خیرخواه دولت وقت هم باشم. هرگاه اشتباه و خطایی از مسئولان دیدم به آنها تذکر دادم. هیچ وقت به خودم اجازه ندادم حکام را در کارهای ظلم کمک کنم یا کارهای خلاف و ناجایز آنها را تایید کنم. اگر حرف بنده بر آنها اثر نمی‌کرد نهایتش این بود که سکوت می‌کردم و همه مصیبت‌ها و ناراحتی‌های شما را به دلم می‌کشیدم و خاموش می‌شدم.

اهل سنت ایران متحد باشند:

متأسفانه در ایران اهل تسنن مرکزیتی ندارند، هرکسی برای خودش چیزی می‌گوید و کاری می‌کند و به نتیجه‌ای هم نمی‌رسد.

منظورم این است که من و شما در تمام ایران باهم نزدیک شده از درد و ناراحتی یکدیگر مطلع شویم. اگر احتیاج و تقاضایی داریم، آواز و صدای ما و شما یکی باشد. هر صدایی که از بلوچستان بلند می‌شود باید از خراسان هم بلند شود. هر آوازی که از خراسان بلند می‌شود باید از کردستان بلند شود و همه مناطق اهل سنت ایران باید هماهنگ باشند.

برای من و شما مشخص هست که تا وقتی ما غمخوار خودمان نباشیم کسی دیگر غمخواری من و شما را نمی‌کند. من و شما سعی و کوشش کنیم حق خود را از دولت بخواهیم و بگیریم. حق دادنی نیست، حق گرفتنی است. باید به حق خود برسیم، همان حقی که خدا به ما داده، حقی که در ابتدای انقلاب خود رهبر انقلاب به ما وعده داده که شیعه و سنی هیچ فرقی ندارند و مذهب‌شان به اعتبار پست و مقام و حقوق ملی و مذهبی برابر هست، ما می‌خواهیم که این حرف عملی بشود.

تعصب به خرج ندهید:

از دوستان و علمای اعلام و آیات عظام تقاضا دارم که تعصب به خرج ندهید، تا بحال خیلی شعار دادید که شیعه و سنی دو برادر دینی هستند. بیایید برادری و برابری را نشان دهید و قول‌تان را با عمل ثابت کنید. هر حق و امتیازی که برای مذهب شیعه قایل هستید، برای اهل سنت و دیگر برادران ایرانی که در اقلیت هستند، قایل شوید. اگر می‌نویسید که مذهب جعفری اثناعشری رسمیت دارد، برای مذهب سنت هم بنویسید که رسمیت دارد.

اعلام می‌کنید که مذهب برادران اهل تسنن محترم و معتبر هست. ما نمی‌خواهیم مذهب ما را فقط و معتبر بدانید. ما می‌خواهیم به مذهب ما همچون مذهب جعفری بهاء داده شود و حقوق ملی و مذهبی ما را بدهید. وسعت قلب و سعه صدر نشان دهید و اقلیت‌های دینی و مذهبی را به آغوش بگیرند.

مردم هیچ مطلبی را بدون عقل و منطق نمی‌پذیرند:

ما خیلی سعی و کوشش داریم که دستورات اسلام در کشورهای اسلامی رواج پیدا کند و مردم اسلام را بپسندند و قبول کنند، اما باید بدانیم که امروزه دوره‌ آگاهی و فرهنگ و دانش است، مردم هیچ مطلبی را بدون عقل و منطق نمی‌پذیرند. بنابراین، ما باید اسلام را طوری به مردم بفهمانیم که مردم بپذیرند. اسلام یک دین فطری و یک دین طبیعی است و همه مردم آماده هستند که اسلام را قبول کنند و به طرف اسلام بگردند و بیایند و فداکاری کنند، اما به شرطی که دوستان ما برادران ما و علمای اعلام و همه ما بتوانیم اسلام را آنطور که هست و باید و شاید به مردم بفهمانیم، نه آن اسلامی را که تنها خود ما بفهمیم، بلکه اسلام واقعی را، اسلام حقیقی را و اسلامی را که بر مبنای قرآن باشد. کدام بدقسمت است که آن را قبول نمی‌کند؟ امروز تمام ملل دنیا محتاج به اسلام و تعالیم عالیه اسلام هستند. از ماده و مادیات بیزارند، زیرا آنقدر مادیات دارند که بیزار شده اند و خودشان اعتراف می‌کنند که با این که از نظر مادیات غنی هستند سکون و آرامش ندارند. پس مردم همه تشنه اسلامند، زیرا اسلام دوی همه دردها هست، به شرط آن که ما اسلام را با همان چهره واقعی به مردم نشان بدهیم، لهذا منظورم این بود که ما سعی بکنیم که اسلام را به مردم نشان بدهیم و اسلام را محدود نکنیم و اسلام را منحصر به عقل و فکر خودمان نکنیم، در آنصورت است که همه مردم به سوی اسلام می‌آیند. باید به مردم بفهمانیم که رئیس جمهور می‌تواند یک مسلمان کامل باشد و یک نفر بقال، حمال، کارگر، کارفرما، هم می‌تواند یک مسلمان واقعی باشد.

آدم‌شناس باشید:

خوب مواظب باشید که فسق و فساد از هرطرف دارد بروز می‌کند. یکی به صورت مولوی، یکی به صورت پیرو درویش، یکی به صورت آخوند و شیخ و به صورت‌های دیگر.

بیایید حق را بفهمید، آدم‌شناس باشید، دنبال هر دجال و کذاب نیفتید، از هر شیاد و طاغوت پیروی نکنید، تا وقتی که گفتار و عقاید آنها را با ترازو و میزان اسلام و قرآن نسنجید، حرف‌هایشان را قبول نکنید. دشمنان دین اسلام و دشمنان ملت و کشور با هر لباسی ممکن است ظاهر شوند، باید آنها را تشخیص دهید و بین حق و باطل فرق قایل باشید. دنبال هر شعاری نروید تا وقتی آنها را امتحان نکردید.

از ناموس خود دفاع کنید:

بعضی‌ها با لباس مبدل، مثلاً با لباس پاسدار می‌روند جلو مردم را می‌گیرند و بدون اجازه و حکم قانونی وارد منزل مردم می‌شوند و شما هم مانع نمی‌شوید چون فکر می‌کنید پاسدار هستند. بدانید که اینها دزد و خائن هستند و می‌خواهند کار خلاف کرده و کشور اسلامی را بدنام کنند، پاسدارها حافظ ناموس و مال و جان شما هستند، اینقدر ترسو و بیچاره و بدبخت نباشید که هرکسی بیاید و دست زن و دختر شما را گرفته و برد و شما هیچی نگوئید که پاسدار هستند.

شما که اینقدر غیرت ندارید که از ناموس خودتان دفاع کنید فردا خدا نخواسته اگر حمله‌ای از طرف کفار پیش بیاید چطور می‌توانید از اسلام، قرآن و از کشور اسلامی دفاع کنید. کمی حیا کنید، ایمان داشته باشید، هرکسی که در راه دفاع از حیا، غیرت و عرض و آبروی خود کشته بشود شهید است.

کسانی که یک چنین کاری می‌کنند و جلو شما را می‌گیرند و وارد خانه شما می‌شوند، اینها را بگیرید و تحویل ارگانها بدهید.

قدر علماء را بدانید:

قدر روحانیت را بدانید، زیرا اسلام را علماء برای شما آورده و تعلیم داده اند. این همه دینداری و علم دوستی که می‌بینید همه از برکات تلاش روحانیت است، لهذا به علماء و روحانیون خود احترام بگذارید، اگر از کسی عیبی دیدید به او بد نگوئید

و آبرویش را نبرید، چرا که غیبت یک مسلمان عادی از زنا هم بدتر هست، چه رسد به غیبت یک عالم و پیش نماز مردم.

اگر از من بدی و عیبی دیدید نگویید تمام علماء خراب اند که ایمان شما خراب می‌شود، اگر روحانیت کلاً خرابند پس خوبی شما چیست؟
زمانی می‌آید که خدا نکند مال آن وقت را ببینیم، چراغ به دست گرفته در به در دنبال همین علماء و امثال آنها می‌گردید ولی آنها را پیدا نمی‌کنید و جای‌شان را خالی می‌بینید، هر عالم به هر اندازه‌ای که علم داشته باشد محترم هست.

علماء خیرخواه شما هستند:

علماء و روحانیون خیرخواه شما هستند، غمخواری بهتر از علماء پیدا نخواهید کرد، کسانی که روزی پنج بار پشت سرشان اقتدا می‌کنید و آنها که برای نجات شما از جهنم تلاش می‌کنند و برای هدایت شما دعا می‌کنند، همه خیرخواه و دلسوز شما هستند. این را بدانید که همه علمای شما اشتباه نمی‌کنند، همه روحانیون ایمان خود را نمی‌فروشدند و شما را به طرف گمراهی و هلاکت نمی‌برند.

هروقت از طرف علمایی که به آنها اعتماد دارید، دستوری به شما برسد، طبق دستور آنها عمل کنید.

البته متوجه باشید که هر عالم و روحانی دلسوز شما نیست، هر کس جبه‌ای بپوشد و عمامه‌ای ببندد، عالم و ملا نیست. بارها گفته‌ام که مولوی هست و مولوی‌نما، پیر هست و پیرنما، مجاهد هست و مجاهد، بین آنها فرق قایل باشید.

با هم متحد باشید:

امروز مسلمانها در وضع بدی هستند، تمام دنیا بر علیه اسلام بپا خواسته. لذا این شرایط می‌طلبد باهم متحد باشند، این کلمه «لا إله إلا الله» زنجیر است که نمی‌گذارد، ما از هم جدا شویم. به خاطر مسایل کوچک با یکدیگر اختلاف نکنید. بعضی می‌گویند: این

دیوبندی هست، این بدعتی هست، این انگشت شهادت را بلند می‌کند، یا این فلان کار را می‌کند که من با او اختلاف دارم.

مگر حالا وقت این حرفهاست؟! بسیاری از مردم خدا، پیامبر و کتاب شما را قبول ندارند. چرا با آنها مبارزه نمی‌کنید، چرا به خاطر مسایل جزئی از هم جدا می‌شوید و بر علیه هم حرف می‌زنید؟

این حزب، حزب گرایی‌ها را رها کنید، و همه در یک حزبی که آن حزب الله است و تنها به خاطر خدا و برای خدا تلاش می‌کند، داخل شوید. بگذارید این اختلافات را که ما و شما را بیچاره کرد. این اختلافات علتش همان حس خودخواهی هست، تا زمانی که شما فقط خودتان را بخواهید و دیگران را کنار بزنید این اختلافات هم هست.

از حسادت پرهیزید:

حسد از گناهان کبیره هست، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: حسد نیکی‌ها و اعمال خوب شما را چنان می‌تراشد و از بین می‌برد که آتش هیزم را می‌سوزاند. متوجه باشید، نعمت‌های دنیوی ملاک خوبی و خوشبختی افراد نیست، بعضی وقت‌ها خدا کسی را که دوست نداشته باشد به او مال و عزت می‌دهد. امروزه متأسفانه اکثر افراد باهم حسد داشته و کینه در دل دارند، همسایه با همسایه، تاجر با تاجر، مولوی با مولوی و مجاهد با مجاهد دشمن شده است. آخر چه چیزی ما را اصلاح می‌کند؟

هرکسی می‌خواهد خودش بالاتر از دیگران باشد و همه چیز را برای خودش می‌خواهد، اگر همه چیز را برای خودمان بخواهیم مثل این که دعوای خدایی کردیم. و این همان حسادت هست که نمی‌خواهیم دیگران به جایی برسند.

به مدارس دینی کمک کنید:

وصیت می‌کنم که مدارس دینی را نگهداری کنید، هرکس مدرسه‌ای درست کرده حتی اگر ده طلبه هم دارد قابل احترام است. طلاب سربازان اسلام هستند و همچون فرزند شما به گردن‌تان حق دارند، به فکر این بلبلان دین نمی‌باشید، اینها هستند که اولاد شما و نسل آینده را به طرف اسلام و قرآن دعوت می‌دهند و آنها را تربیت می‌کنند.

خیال نکنید از مدارس علمای خوبی در نمی‌آیند، اگر من خوب درنیامدم خیلی‌ها هستند که بهتر از من هستند و بیشتر از من خدمت کردند و می‌کنند. هرچند که مدرسه‌ای پایه‌اش به اخلاص باشد ثمرش بیشتر خواهد بود. مدارس، مراکز دین‌آموزی و انسان‌سازی هستند.

شیاطین شما را فریب ندهند:

در دنیا دو حزب و گروه هستند که سومی ندارند، یکی حزب الله و دیگری حزب الشیطان.

حزب شیطان همیشه کوشش می‌کنند که حزب الله یعنی پیروان دین اسلام و محبان و روندگان راه خدا را بدنام کنند و شکست بدهند.

ملت و گروهی که حتی پیامبری مثل حضرت یوسف علیه السلام را تهمت می‌زنند، آیا نمی‌توانند به یک مولوی تهمت بزنند؟ آیا نمی‌توانند برای یک آدم خوب و مسلمانی پرونده درست کرده و او را بدنام کنند؟ این کارهای شیطانی همیشه بوده و هست و خواهد بود، اما شما ساده نباشید. متأسفانه ملت ما خیلی ساده هست، هرحرفی را که می‌شنود باور می‌کند، اینقدر ساده نباشید. خیلی شیاطین جنی و انسی در گوشه و کنار هستند که می‌خواهند، علماء، انسان‌های خوب، دین و مکتب ما را خراب بکنند، شما بیدار و آگاه باشید تا گول آنان را نخورید.

نعمت‌های خدادادی را درست استفاده کنید:

خداوند متعال دنیا و تمام نعمت‌های آن را برای شما خلق کرده ولی شما را برای آخرت آفریده است، باید از نعمت‌های دنیوی استفاده و بهره‌برداری جایز بکنید. اگر کسی نعمت‌های خدادادی را همچون، نعمت سلامتی، ایمان، مال، مقام، قدرت، عزت و تمام راحتی‌های دنیا بر خلاف دستور خدا استعمال بکند، آن بنده، بنده ناسپاس، کفور و نمک به حرام است.

خداوند متعال اسلحه سرد و گرم را پیدا کرده تا برای حفاظت جان انسانها، مرزهای اسلامی و امنیت بکار گرفته شود، نه این که بر علیه برادران مسلمان استعمال شود. این قدرت، عزت، قوم و فامیل را داده تا در جهت رضای او و خدمت به مردم کار کنید، نه این که با این موقعیت ادعای خدایی کرده، مال و زمین مردم را تصاحب کنید و کسی که جواب سلام شما را ندهد او را به زندان اندازید. بلکه شما در این مقام و عزت کار مسلمانی را رواج دهید، شما از نعمت سلامتی، نعمت مال و همه نعمت‌ها درست استفاده کنید و خود را در این نعمت‌ها گم نکنید، به فکر بعد از مرگ باشید و شکر خدا را بجا آورید.

وظیفه دینی خود را بشناسید:

من بارها عرض کرده‌ام که اسلام منحصر به نماز و روزه نیست، محصور در زکات و حج نیست، خیلی از احکام اسلام هستند که باید آنها را بشناسید و عمل کنید. گاهی اوقات بجای حج رفتن اگر پول‌تان را همینجا خرج کنید ثوابش بیشتر است، گاه وقتی از روزه نفلی ثواب روزه خوردن بیشتر است، گاهی انجام یک کار مهم دینی از نماز نفل بهتر است.

باید این شناخت را داشته باشید و بدانید وظیفه شما چیست؟ تنها حق بودن و مسلمان بودن کافی نیست. ببینید اسلام و قرآن از شما چه می‌خواهند. تنها همین که الحمد لله من مسلمانم و نماز نفل و تهجد می‌خوانم و دنیا هرچه بشود و اسلام و

مسلمانان هرطور باشند من کاری ندارم، این مسلمانی نیست. امروز که مسلمانها در دنیا این همه مشکلات دارند، چقدر مال، جان و وقت عزیز شما به درد مسلمانان خورده؟ چند شب بلند شدید و برای حل مشکلات مسلمانان و هدایت خودتان دعا کردید؟

رحمت خدا با جماعت هست:

هرجا که جمعیت بیشتر باشد و مردم بیشتری برای عبادت جمع شوند، نظر رحمت خدا هم بیشتر متوجه آنها می‌شود، و خداوند تضرع و زاری آن جمعیت را بهتر قبول می‌کند.

من همیشه خدمت سروران عرض کردم که سعی کنید مسلمانها را متفرق نکنید، آنها را در یک محل جمع کرده نماز عید را در یک جا بخوانید و نگذارید بین مسلمانها جدایی افتد، تا از درد و غم و شادی و خوشحالی یکدیگر باخبر شوند و پیش خداوند تضرع و زاری کنند که امید قبولی بیشتر هست.

از مرگ نترسید:

مسلمان باید همیشه برای مرگ آماده باشد، مرگ و شهادت برای مسلمان حیات و زندگانی است.

ملتی که از مرگ بترسد در دنیا ذلیل و بدبخت می‌شود، آن ملتی حق حیات و زندگی را دارد که از مرگ نمی‌ترسد، مرگی که در راه خدا باشد از هزارها زندگی بالاتر هست. امروزه متأسفانه بر اثر حب دنیا، ترس از موت و کنار گذاشتن قرآن و سنت، دشمنان اسلام بر ممالک اسلامی مسلط شده اند و هرطوری که بخواهند با آنها رفتار می‌کنند. کسی که عظمت خدا در دلش باشد و عمر خود را به بندگی خداوند بگذراند، از فحشا، منکرات، زورگویی و تجاوز به حیثیت و ناموس مردم پرهیز کند، از مرگ نمی‌ترسد. ترس مال خائنین و ستمگران است که بر خودشان ظلم کرده اند و آینده خود را خراب می‌بینند.

اما مرد مسلمانی بنا به گفته شاعر، روز مرگ او روز شادی و خوشحالی اوست:
 عروسی بود نوبت ماتمم
 اگر نیک روزی بود خاتم
 و یا:

نشان مرد مؤمن با تو گویم
 چو موت آید تبسم بر لب اوست

تعصبات قومی را کنار بگذارید:

برادران من! امکان دارد بین دو برادر و دو فامیل گاهی اختلاف پیش آید، زیرا انسان اشتباه می‌کند و جائز الخطاست. اما مواظب باشید، به خاطر مسایل جزئی همدیگر را لعن و نفرین نکنید. باید گذشت کرد، نه این که قبیله‌ای بسیج شده بر سر قبیله دیگر بریزند و قتل و کشتار راه بیاندازند.

از برای خدا این اخلاق جاهلیت را کنار بگذارید، زهی زهی و فامیل فامیل را رها کنید، این نام‌ها بخاطر شناخت هست نه غرور و تکبر. همه برادر هم، بندگان خدا و از فرزندان حضرت آدم و حوا هستید، نگذارید دشمنان شما از اختلافات تان سوء استفاده کنند.

مغرور نشوید:

هرگناهی قابل بخشش هست بجز تکبر، غرور و خودپسندی، عظمت، بزرگی، غرور و کبرایی از صفات خدا و مخصوص ذات یگانه او هست و بلا تشبیه همچون جامه و شلوار او است، هرکسی که تکبر نماید مثل اینست که دست به جامه و شلوار خدا ببرد، خداوند کسی را که ذره‌ای غرور دارد به بهشت راه نمی‌دهد، پس تکبر نکنید، خود را از دیگران بالاتر ندانید، دیگران را حقیر نپندارید. نگویید که: من اینطور هستم و با تو چنین و چنان می‌کنم یا اینقدر توانایی دارم. خودستایی نکنید، این خدا هست که می‌تواند هرکاری بکند و لایق تعریف و تمجید هست. من و شما با اندک مریضی و کمترین آفت و دردی از پا درمی‌آییم، ما عاجز و ناتوانیم.

تنها به منافع خودتان نیندیشید:

راحتی و آسایش دیگر مسلمانان را بر خود مقدم بدانید، امروز مسلمانان همه چیز اعم از مال، مقام، زندگی و راحت‌طلبی را برای خودشان می‌خواهند. در صورتی که مسلمانان همه مثل یک پیکر هستند. درد و ناراحتی دیگر مسلمانها مثل ناراحتی شما هست، باید به فکر همه باشید، اگر مثلاً من مولوی همه چیز را برای خود احتکار کنم و بخواهم که عزت و بزرگی تنها مال من باشد و دیگر علماء عزت نداشته باشند، من چه مولوی و مسلمانی هستم؟ اگر شما تلاش کنید که خودتان راحت باشید و دیگر مسلمانان در غم و مشکلات به سر ببرند این چه مسلمانی هست؟

مسلمانی آن است که همه خوبی‌ها را برای تمام مسلمانان بخواهیم و برای راحتی و خوشبختی همه تلاش نماییم و تنها به فکر خود نباشیم.

نام بلوچ را خراب نکنید:

این را بدانید که بلوچستان مال ما هست و ما باید در بلوچستان زندگی کنیم. امنیت بلوچستان را حفظ کرده و سعی کنید، به جان و مال کسی تعرض نشود. نگذارید افراد سودجو و نادان، نام بلوچ را خراب کنند. بخدا وقتی من می‌شنوم بلوچ دزدی کرده، رهنی کرده، مال کسی را خورده و یا کسی را به ناحق کشته، ناراحت می‌شوم. اگر شما در راه دزدی و غارت کشته شدید باعث سرافکندگی و ناراحتی من و تمام دوستان و علماء می‌شوید. من زمانی سرافراز می‌شوم و افتخار می‌کنم که مرگ شما در راه اسلام باشد.

دین ما قوی هست، خود را قوی نشان دهید:

مسلمان باید هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ جسمی قوی باشد، چرا که پیرو دین قوی و جهان‌نیست.

باید از راه رفتن و از نعره الله اکبر یک مسلمان، دشمنان به لرزه درآمده، زمین و آسمان بلرزد.

در دوران سیدنا عمر فاروق رضی الله عنه یک نفر درویش با لباس خوب، شالی بر سر و عصایی در دست داشت و سرش را پایین گرفته و مثل موش مرده‌ها یواش یواش راه می‌رفت، حضرت عمر رضی الله عنه از دیدن این شخص مقدس مآب عصبانی شد و شروع به شلاق زدن او کرد و فرمودند: «لا تمت دیننا أمتک الله» دین ما را نکش خدا تو را بکشد. با این نحوه راه رفتن و خود را ضعیف و مرده نشان دادن باعث می‌شوی که دین و آیین ما ضعیف جلوه کند. در حالی که دین ما دین تحرک و پیشرفت و عزت است. این غرور نیست، بلکه عزت نفس و سربلندی مسلمانان هست.

تجسس و عیب‌جویی نکنید:

عیوب مسلمانان را تجسس نکنید که خدا هم عیب‌های شما را ظاهر نکند. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکسی در جستجوی عیب‌های امت من باشد و در سدد باشد تا بداند که فلان شخص در خانه، بازار، در ظاهر و باطن چکار می‌کند و همواره دنبال ضعف‌ها و عیوب دیگر مسلمانان باشد، خداوند متعال نیز عیوب او را دنبال کرده رسوایش می‌نماید. هرکدام از من و شما ضعف‌ها و عیب‌های زیادی داریم، پس به دنبال اصلاح عیب‌های خود باشیم و اول خودمان را اصلاح کنیم. و خصوصاً به حکومت‌ها و حکام عرض می‌کنم که دنبال تجسس عیوب مردم نباشید. هر وقت حکام، نهادها و مأمورین دنبال نقطه ضعف‌ها و عیوب مردم و ملت بروند آنها را خراب می‌کنند و از بین می‌برند. چه کسی هست که ضعفی و گناهی نداشته باشد؟ کاری کنید که عیب‌های من و شما و دیگران اصلاح شوند؟

اجتماع فاسد شما را فریب ندهد:

این چه مسلمانی است که احکام خدا و رسول را بر اجتماع فاسد و بر خواسته نفس و شیطان قیاس می‌کند. اگر اجتماع این احکام اسلامی را قبول نمی‌کند آنها را ترک می‌کند، اگر اجتماع حجاب را قبول نکند آن را ترک می‌کند. چون در دانشگاه و مدرسه نمازخوان نیست نماز را ترک می‌کند که او را مسخره نکنند، در اجتماع امروز عرق خوردن و رقصیدن هنری شده، خیلی کارها را می‌کنند، به خاطر این که اجتماع چنین می‌خواهد. آیا من و شما باید مطابق خواسته اجتماع باشیم؟ هر سمت و سویی که جامعه می‌رود به همان طرف برویم؟ این گفته جاهلان است که می‌گویند: «گر زمانه با تو نسازد تو با زمانه بساز» یا «گر خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت باش». این اشتباه است، گر زمانه با تو نسازد تو با زمانه ستیز، با زمانه مبارزه کنی تا آن را تابع خود و تابع اسلام بکنی، نه این که خود تابع زمانه شوی. طوری زندگی کنی که اجتماع را مجبور نماید مطابق با میل شما و قانون اسلام عمل کند، شما آزاد نیستید که هرطوری که دل‌تان خواست عمل کنید. شما پیرو آئینی و قانونی هستید که روزی همه ممالک دنیا، کفار و یهود و نصاری افتخار می‌کردند که مثل پیروان آن راه بروند، مثل آنها لباس بپوشند، علم آنان را بیاموزند و معاشرت‌شان را اختیار کنند. اما امروز این مسلمانان هستند که تقلید دیگران را افتخار می‌دانند.

از مواد مخدر پرهیزید:

من بارها خدمت شما عرض کردم و اعلام نمودم که دست به این عمل کثیف نزنید، آن کسی که این کار را می‌کند چقدر به خود، جامعه، همسایگان و کسانی که در مسیر راه آن قاچاقچی قرار گرفتند، صدمه و ضرر وارد می‌کند. چرا به خاطر این مال کثیف و حرام، جان و مال خود را به خطر می‌اندازید؟ چرا زن‌های خود را بیوه و بچه‌هایتان را یتیم می‌کنید. چرا خود را مثل سگ با این رسوایی به کشتن می‌دهید؟

آیا این کارتان به خاطر فقر و تنگدستی هست؟ این تکاثر و افزون‌طلبی هست. وقتی این همه بدبختی بر سر شما می‌آید این چنین پولی چه ارزشی دارد؟ این کاریست که نتیجه‌اش معتاد شدن بچه‌های من و شما هست، گناه و وبال بدبخت شدن این جوانان ما به گردن چه کسی هست؟

من خودم شنیدم که معتادها و هروینی‌ها اینقدر غیرت و وجدان و ایمان‌شان را از دست دادند که شلوار و چادر زنان‌شان را هم بردند فروختند تا مواد بخرند.

حضور زنان در مساجد و مدارس ضرورت دارد:

مسأله آموزش دینی زنان و دختران در منطقه ما خیلی مهم هست، زنان منطقه ما از فرهنگ جامعه و یادگرفتن علوم دینی خیلی عقب افتاده اند، از مساجد و مجالس وعظ و ارشاد محروم هستند.

اگرچه خیلی از علمای متقدمین ما به علت اختلاط زن و مرد و شرایط جامعه، خروج زنان را اجازه ندادند. اما خیلی از فتاوا طوری است که وقتی ضرورت ایجاب کند، بنا به نیاز و تقاضای زمان، مفتی فتوایش عوض می‌شود.

لذا به عقیده من در این زمان ساختن مدرسه‌ای برای زنان و دختران اشکالی ندارد، و در هر شهرستانی باید مدارس برای زنان وجود داشته باشد. در نماز جمعه و در سخنرانی‌ها جایی در نظر گرفته شود که مخصوص زن‌ها باشد و راه جداگانه‌ای داشته باشد.

در ازدواج، معیاران دین و اخلاق باشد:

اگر جوان مسلمانی برای خواستگاری دختر شما می‌آید، به دین و اخلاقش نگاه کنید نه به مالداري و طایفه‌داربودنش، مال و دولت جاودانی نیستند، اگر امروز باشند فردا از دست می‌روند، اما ایمان و اخلاق صفات باارزشی هستند که در طول زندگی ماندگارند.

اگر به خدا عقیده داشته باشید و توکل نمایید، مشکل مادیات شما و همه جوانان را حل می‌کند، پول را وسیله خوشبختی دختران‌تان ندانید.

حضرت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: دین و اخلاق داماد را در نظر بگیرید نه مال، جمال و نسبش را، نه این که نگاه کنید صوفی خشک باشد که اگر خروارها نیکی انجام دهد همه را با یک کلمه بدگویی و بداخلاقی و تندى برباد دهد و باعث اختلاف در زندگی شود. و اگر این کار را نکنید، سبب فتنه و فساد می‌شود. جوانان ما هم باید دختران دیندار، باعفت و باحیا را برای خواستگاری و زندگی خود انتخاب کنند، نه این که دنبال دختران خان‌زاده و قاضی‌زاده و پولدار بگردند. شما که با شنیدن نام حضرت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم اشک‌هایتان می‌ریزد چرا به این سفارشات و سنت‌های ایشان عمل نمی‌کنید؟

طلاق بدترین عمل مباح است:

حضرت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: بدترین و مبعوض‌ترین کارهای مباح و جائز، طلاق هست. بعضی با نهایت آسانی و سادگی به خاطر اندک چیزی زنان‌شان را طلاق می‌دهند. علت‌اش اینست که دیانت و تقوی ندارند، زن هرچیزش قابل برداشت هست، هر نازی که می‌کند بخرید. حضرت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «من با اهل و عیال خودم خوب هستم، بهترین شما کسی است که با اهل و عیال خود خوب باشد». آیا این زنان‌تان را که شب و روز باهم بودید و برایتان هزاران کار می‌کنند، بچه‌داری می‌کنند، کارهای خانه را انجام می‌دهند، مربی بچه‌ها هستند، مهمان‌های شما را پذیرایی می‌کنند، خادم و کنیز شما هستند، مطیع و زحمت‌کش می‌باشند، آیا اینها لایق و شایسته این هستند که با اندک اشتباه و بگومگویی، طلاق‌شان بدهید؟ آن وقت بعد از چند روز متوجه اشتباه خود می‌شوید و راه برگشتی هم نمی‌بینید. مردها وفا ندارند اما زن‌ها خیلی به مردان‌شان وفادار هستند. به محض این که مردی غرض و مقصدش از زنی برآورده نشود به فکر طلاق می‌افتد. این انسانیت نیست، خدا از این کار شما ناراض می‌شود.

زنان شما را به گناه آلوده نکنند:

بسیاری از مردم به وسیله فتنه زنان مستحق قهر و غضب خداوند می‌شوند. مواظب باشید گرفتار مکر و نیرنگ زنان فتنه‌باز، بی‌حیا و ولگرد نشوید. از زنانی که شما را به طرف بی‌دینی و غفلت می‌کشند پرهیز کنید. اولین فتنه‌ای که در بنی اسرائیل اتفاق افتاد از زنان شروع شد. مواظب باشید که زنان محرم و همسران‌تان هم، شما را از مسجد رفتن، صدقه‌دادن و کمک به نیازمندان منع نکنند و شما را دستور ناجایز ندهند.

محبت زنان باعث نشود که خلاف دستور خدا عمل کنید، البته همه زنان باهم برابر نیستند، خیلی از زنها هستند که باعث اصلاح شوهران‌شان شده‌اند و جلوی گناه، اسراف و بی‌دینی را در بین خانواده‌شان گرفته‌اند.

مرد به زن دستور ناجایز ندهد:

یکی از صفات زنان صالحه آنست که وقتی مرد به آنها دستوری بدهد بدون چون و چرا اطاعت می‌کنند، زنان متمردي نیستند، زن دستور جایز مرد را باید اطاعت کند. اگر مرد دستور ناجایز و خلاف شرع بدهد زن نباید اجرا کند، اگر مرد دستور داد برو بازار خرید کن، گوشت و برنج بگیر، صف نانوائی بایست، صف قند و شکر بایست، زن نباید چنین دستوری را عمل کند. این دستور واجب الإطاعت نیست، این از وظایف زن نیست که برای خرید به بازار برود و در معرض دید بیگانگان قرار بگیرد.

این چه وضعی هست؟ ما گاهی از خیابانها رد می‌شویم، می‌بینیم زنها در مغازه‌ها صف بسته‌اند. خواهران، و دختران برای چند کیلو قند یا چند عدد نان سر صف ایستاده‌اند. چشم و بینی و لباس مخملی و تمام زینت خود را در دید مردان نامحرم قرار دادند. این چه مرد بی‌حیایی هست که در خانه نشسته و زن را برای خرید فرستاده، اینها وظایف مرد هست. اگر وقت ندارد باید خادمی برای کارهای خانه بگیرد.

احترام بزرگترها را بجا آورید:

ای جوانان! آنهایی را که سن شان از شما بزرگتر هست و زودتر از شما پا به دنیا گذاشته اند، بیشتر از شما عبادت کردند، زحمت کشیدند و تجربه دارند، قدردانی کنید و احترام بگذارید.

روزی می‌آید که شما جوانان هم به سن آن پیرمردها می‌رسید، اگر الآن به بزرگترها احترام بگذارید، کسانی که بعد از شما می‌آیند، احترام شما را هم به جا می‌آورند. اما اگر شما احترام بزرگترها، پدر و مادر، عمو و دیگر اقوام و خویشان و همشهریان خود را به جا نیاورید، بچه‌های شما احترام شما را نخواهند گذاشت.

ای پیرمردها و بزرگان! شما هم مغرور نباشید، قدر و ارزش جوانها و کوچک‌ترها را بدانید، زیرا آنها کمتر به گناه، معصیت و منکرات آلوده هستند. به آنها ارزش بدهید و روی آنها حساب کنید.

به پدر و مادران احترام بگذارید:

همه انسانها لخت به دنیا می‌آیند، اینقدر ضعیف و خوارند که نمی‌توانند خودشان را تمیز کنند. پدر و مادر با زحمت بچه‌ها را بزرگ می‌کنند، اما این بچه‌ها وقتی کم‌کم بزرگ می‌شوند کوچکی خود را فراموش کرده بر پدر و مادر بانگ می‌زنند و به تندی صحبت می‌کنند و آنها را اذیت و آزار می‌دهند و یا حرف‌شان را گوش نمی‌دهند.

این را بدانید، هر فرزندی (دختر یا پسر) پدر و مادرش یا یکی از آنها زنده باشند و او به وسیله خدمت و رضایت آنها خود را مستحق بهشت نکند. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چنین فرزندی از رحمت خدا دور باد. بهشت زیر قدمهای پدر و مادران است. والدین خود را راضی کنید تا در حق شما دعای خیر بکنند. اگر آنها ناراض شوند، خدا هم ناراض می‌شود و چنین فرزندی در دنیا روی سعادت و خوشبختی را نمی‌بیند.

به فکر یتیمان باشید:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: هرکسی که یتیمی را سرپرستی و خدمت کند، چه آن یتیم از خویشاوندان باشد یا بیگانه‌ای، در بهشت آنقدر با من نزدیک می‌شود مثل انگشت وسط و انگشت اشاره کم باهم نزدیک هستند.

اگر من و شما از دنیا برویم و بچه‌های ما یتیم بشوند، از خویشاوندان و وارشان چه انتظاری داریم؟ آنها هم همین انتظار را دارند.

بهترین خانه، خانه‌ای است که در آن یتیمی پرورش یافته، از سفره آن نان بخورد و تربیت شود. و بدترین خانه، خانه‌ایست که در آن یتیمی اذیت و آزار دیده، حق و مال او ضایع شود. بدانید که با صدای گریه یتیم عرش الهی به در می‌آید.

عزاداری‌هایتان اسلامی باشد:

چنانکه می‌دانید هرگاه شخصی می‌میرد، همه‌اش در خانه آن شخص رفت و آمد هست. قاچاق فروش، کدخدا، مردم دیگر همه می‌روند و آنجا چندین روز غذا می‌خورند.

شما که ده کیسه برنج و گوشت برای پولدارها و مالدارها خرج می‌کنید تا در چاه مستراح بریزند، کوچک‌ترین ثواب و نیکی‌ای به میت شما نخواهد رسید. این رسمی هست که از زمان جاهلیت شما باقی مانده است، اینها رسومات اسلامی نیست، اینها را آخوندها برای امرار معاش و شکم‌پری خود دست کرده‌اند. بعضی ملاها منتظرند کسی بمیرد تا در مجلس عزای نشسته و سوره یاسین بخوانند و گوشت بخورند. اگر می‌خواهید ثوابی به شما و میت برسد، این پول را به بیوه‌زنان، یتیمان، طلاب، مدارس دینی، مهاجرین و مستمندان بدهید که نیازمند هستند و خیلی‌ها بدون سرپرست‌اند، آنها برای شما و میت شما دعای خیر خواهند کرد. مواظب باشید پول حلال‌تان را در راه ناجایز خرج نکنید که مورد بار خواست قرار می‌گیرد. این را می‌گویم و فردای قیامت من مسئول نباشم که حق را نگفتم.

فرزندانتان را مسلمان تربیت کنید:

بچه‌ها در دست شما امانت هستند، اگر اینها را در کودکی به خوبی تربیت کرده و به راه اسلام بردید، نزد خدا سرافراز خواهید شد، اما چنانچه اینها را خوب تربیت نکردید و آزاد گذاشتید تا در راه شیطان و به سمت فساد و منکرات قدم بردارند، به پیشگاه خداوند مسئولید. چرا به بچه‌هایتان پول می‌دهید که به بازار رفته و عیش و نوش کنند ولی قرآن و اسلام را به آنها نمی‌آموزید؟ شما موظفید برای فرزندان‌تان اسم خوب انتخاب کرده لباس و غذا بدهید و آنان را تربیت دینی نموده، به نماز و روزه امر کنید. اگر فرزندان خود را به مدارس دولتی می‌فرستید اشکالی ندارد، اما این را بدانید که باید برای آموزش دینی و دیندارشدن آنها تلاش کنید. جوانی که قرآن را فرا گرفته و تربیت اسلامی شده باشد در هر پست و مقامی که باشد منحرف نمی‌شود. پدر و مادرها، معلمین، استادان و ائمهٔ مساجد همه مسئول هستند تا بچه‌ها و کودکان را درست تربیت کنند و برنامه‌ریزی داشته باشند تا هر سال قسمتی از مسایل دینی و اسلامی را یاد بگیرند.

با منت گذاشتن اعمال‌تان را باطل نکنید:

اگر یکی از شما کار خیری انجام داده، به فقیری کمک کرد، چند ریالی به مسجد یا مدرسه‌ای داد یا دیگر عمل نیکی انجام داد با منت گذاشتن و از خود تعریف کردن اجرا خود را باطل نکند.

وقتی این مال و ثروت مال خدا هست و خدا به شما داده، این قدرت و توفیق کار خیر را هم خدا به شما می‌دهد، پس منت گذاشتن برای چه؟ اگر کسی چند سال پیش کار خیری کرده و یا کسی را کمکی نموده است و امروز پیش این و آن تعریف کند و یا به آن شخص منت بگذارد که من فلان خوبی را در حق تو کردم یا فلان چیز را دادم، ثواب عملش به هدر خواهد رفت.

پس عزیزان من سعی کنید کارها را به خاطر خدا انجام دهید، وقتی توفیق انجام کار خیری را پیدا می‌کنید خدا را شکر کنید. خوبی‌هایتان را در حق دیگران فراموش کرده، بدی‌ها را به یاد آورید تا توبه کنید و توفیق یابید، بیشتر کار خیر کنید.

نسبت به مسلمانان خوشبین باشید:

دل‌هایتان را در باره مسلمانان پاک نموده، هیچ نوع غل و غش و بدبینی نسبت به دیگران در دل نداشته باشید. وقتی مسلمانی را می‌بینید که گناه کبیره انجام نمی‌دهد و بر خلاف اسلام کاری نمی‌کند، او را از خود بهتر بدانید و در حق او حسن ظن و اعتماد داشته باشید، اگر شخصی را در حال گناه دیدید بازهم او را حقیر ندانسته خود را پاک و مقدس نخوانید. چون معلوم نیست شاید در اثر غرور شما، عاقبت و سرانجام شما خراب شود و آن گناهکار را خداوند هدایت کند و توبه نصیب نماید.

هرکسی را دیدید که نسبت به خودش خوش‌بین هست و برادر مسلمانش را حقیر و خوار می‌شمارد، بدانید که آدم خوبی نیست.

با نیازمندان همدردی کنید:

شما که تندرست و توانا هستید، شکرانه تندرستی و توانگری اینست که دست ناتوانی را بگیرید. به یاد بیچاره‌گان و مستضعفانی باشید که از مال دنیا هیچ چیزی ندارند. به یاد آنهایی باشید که غذای کافی برای زن و فرزندان‌شان ندارد. در زمستان لباس گرم جهت پوشیدن نمی‌یابند، بچه‌هایشان کاغذ و قلم ندارند. به آن بیوه‌زنان و یتیم‌هایی که سرپرست خود را از دست داده‌اند، رسیدگی کنید. مسلمان کسی را می‌گویند که به راحتی مسلمانان خوشحال باشد و به ناراحتی و مشکلات آنان ناراحت شود، در مراسم خوشحالی و عروسی‌هایتان به یاد فقرا و مساکین باشید، آنها را هم دعوت کنید یا برای آنها غذا ببرید، منتظر نباشید فقراء به نزد شما بیایند و کمکی طلب کنند، شما باید آنها را پیدا کنید و مشکل‌شان را حل نمائید. کسی که باری از دوش مسلمانی بردارد و مشکلی

را از شخصی حل نماید، خداوند نیز مشکلات او را حل نموده و وی را در دنیا و آخرت خوشبخت می‌کند.

حق خویشاوندانتان را از یاد نبرید:

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در روز قیامت رحم و خویشاوندی شکایت می‌کند و می‌گوید: ای خدا! حق مرا از بندگان که آن را رعایت نکردند بگیر، خداوند می‌فرماید: آیا راضی هستی هرکسی تو را وصل کرده من امروز او را با خودم وصل کنم، و هرکس تو را جدا کرده من امروز او را از خودم جدا بکنم، او می‌گوید: بله راضی هستم.

پس برادران! حق خویشاوندی خیلی مهم هست، باید حق آنها را ادا کنید. بعضی از دوستان ما، حق بیگانگان را که به گردن آنها نیست ادا می‌کنند، ولی حق خویشاوندان را ادا نمی‌کنند. هیچ اطلاعی ندارند که خویشاوندان‌شان در چه وضعی به سر می‌برند. با آنان همدردی و همکاری نداشته و دید و بازدید نمی‌کنند، گویا با آنها بغض و عداوت دارند.

اگر قهرکردن به خاطر رضای خدا و به علت انحراف آنها باشد جایز هست، ولی اکثراً بدون دلیل و یا بخاطر غرور و خودخواهی با قوم و خویش خود رفت و آمد و همدردی ندارند.

استقامت داشته باشید:

ایمان باید همراه با استقامت باشد. ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا﴾ [الأحقاف: ۱۳]. [احقاف: ۱۳]. «کسانی که گفتند: رب ما الله است بعداً استقامت کردند»، پس ایمان همراه استقامت نتیجه می‌دهد. مؤمنی که استقامت نداشته باشد زود خسته می‌شود و هرروزی به رنگی درمی‌آید و وقت مردن چنین ایمانی را باد می‌برد. همه اعمال اسلامی نیاز به استقامت دارند، بدون استقامت نمی‌توان اهانت‌ها، شکنجه‌ها، مشکلات و فشارها را تحمل کرد.

مسلمانی که نان به نرخ روز بخرد اگر امروز با علماء و اهل دین نزدیک باشد، فردا بر خلاف آنان قدم برمی‌دارد، چنین مسلمانی خیلی خطرناک است. بعضی‌ها در راه باطل اینقدر استقامت دارند که تا پای دار می‌روند، اما هنوز عبرت نمی‌کنند. ای کاش این استقامت را در راه اسلام می‌داشتند.

با مهاجرین افغانی به خوبی رفتار کنید:

برادران عزیز! به شکرانه سلامتی زن و بچه‌های‌تان، برای سلامتی ایمان و حیای خانواده‌هایتان، حداکثر توانتان را در کمک به برادران مجاهد و مهاجر به کار بندید، شکست روسها ان شاء الله حتمی هست، خداوند متعال بندگان را آزمایش می‌کند که تا چه حدودی استقامت دارند و از جان و مال خود، گذشت می‌کنند.

آیا ننگ نیست که یک نفر بلوچ و بومی با این مهاجرین افغانی رفتار غیر اسلامی داشته باشد؟ آیا پسندیده است من و شما به جای این که انصار باشیم و آنها را کمک کنیم و همدوش آنان در مقابل روس‌های بی‌دین بجنگیم، اینطور آنها را اذیت می‌کنیم. زمانی این برادران پیروز شده به مملکت خود برمی‌گردند، در آن موقع چه جوابی به آنها می‌دهید؟ بگذارید در شهر شما، در جلو مغازه‌های شما، در همسایگی شما، زندگی و کسب و کار بکنند که آنها خیلی مشکلات دیدند. خیلی از برادران ما شهید شدند، خیلی‌ها همه زندگی خود را از دست دادند. فکر نکنید اینهایی که جلو مغازه شما دست‌فروشی می‌کنند افراد فقیر و ضعیفی بودند، اینها در کشور خودشان بهترین موقعیت و زندگی را داشتند، اما امروز این چنین مورد آزمایش خدا قرار گرفتند و این برای شما هم آزمایش هست.

بیت المقدس را فراموش نکنید:

وقتی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه تشریف بردند تا حدود ۱۷ ماه به سوی بیت المقدس و مسجد الاقصی نماز خواندند، تا این که وحی آمد: ﴿قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ

اَلْمَسْجِدِ الْحَرَامِ [البقرة: ۱۴۴]. «ای پیامبر، روی خود را در نماز به طرف مسجد الحرام بگردانید».

ولی الان این قبله اول مسلمانان در دست یهودی‌ها هست. همان یهودی‌ها که پست‌ترین و رسواترین ملت‌ها بودند، اما در اثر این که مسلمانان وحدت و اتحاد خود را کنار گذاشتند و به طرف دنیا و راحت‌طلبی و خوشگذرانی رفتند، از ضعف مسلمانان سوء استفاده کرده و بیت المقدس را اشغال کردند.

اینقدر مسلمانها ذلیل شدند که سه میلیون یهودی بر تمام مسلمانها و عربها حکومت می‌کنند. این را بدانید که راز پیروزی و کامیابی مسلمانان در اتفاق و اتحاد هست. باید تمام مذاهب، فرقه‌ها و کشورهای اسلامی متحد شوند، تنها یک کشور و یک گروه نمی‌توانند حریف همه دشمنان سر تا پا مسلح بشوند و در مقابل اسرائیل بایستند.

حضرت مولانا عبدالعزیز رحمته از سال ۱۳۳۴ شمسی در شهر زاهدان مستقر شدند و تا سال ۱۳۶۶ ه. ش که فوت نمودند، در روزهای جمعه، عیدین، و در مناسبت‌های مختلف، خصوصاً در رادیو بلوچی زاهدان سخنان بسیار ارزنده، جذاب و پرمحتوا ایراد می‌فرمودند که تأثیر زیادی بر مخاطبان گذاشت و سبب تحول عظیمی در بیداری مردم گشت، اما صد حیف که به دلیل ضعف فرهنگی، برنامه‌ریزی خاصی در جهت ضبط و ثبت فرمایشات ایشان به عمل نیامد. آنچه اکنون از نظر شما می‌گذرد گزیده‌ای از تعداد محدود سخنرانی‌های ایشان می‌باشد که در اختیار مؤسسه خیریه عزیزی زاهدان می‌باشد.